

قراءة النعم الجنائية ونسبتها مع الغاية من خلق الإنسان^١

_____ أميرحسين محيي الديني أناري^٢، السيد محمد حسيني^٣ _____

الملخص

إن من أبرز المباحث وأعمقها التي تناولها القرآن الكريم، مسألة الثواب والعقاب على الأعمال. وقد تطرح هنا أسئلة وشبهات متعددة، لاشك أن أهمها هو الصلة والنسبة بين ثواب الأعمال والغاية النهائية من خلق الإنسان. الغاية من الخلق، كما ورد في التعاليم الإلهية، هي الوصول إلى معرفة الله تعالى وتحقيق العبودية. لكن ما وعد به الإنسان في النصوص الدينية كنعم، هي نعم توجد نماذج منها في هذه الدنيا أيضاً، ولا تبدو من الناحية الظاهرية متساوية ومتناسبة مع تلك الغايات السامية والروحانية؛ كنعم «الشرب الطهور» و«الحور المقصور» وغيرها. يتناول هذا البحث، بمنهج وصفي تحليلي، توضيح هذه المسألة بالذات، وقد أظهر أن عدة عناصر تعد من أبرز إنجازات هذا التحقيق: أولاً، بيان الثواب المعنوية والسامية؛ ثانياً، محدودية إدراك بعض البشر للحقائق ما وراء المادية؛ ثالثاً، التناظر الواضح بين الصورة الدنيوية للنعم والحقيقة الأخروية لها؛ ورابعاً، انتفاع أصحاب المراتب الدنيا من أهل الجنة بنعم مجانسة لإدراكهم. وبهذا، تم تقديم إجابة لهذا السؤال الأساسي بشكل جميل، في ضوء الفهم الصحيح لطبيعة النعم الأخروية وانسجامها مع المرتبة المعنوية للإنسان.

المفردات الأساسية: الهدف من الخلق، العبودية، النعم الجنائية، الرضوان الإلهي، التمثيلات القرآنية، القرب الإلهي.



مَدِينَةُ الْعِلْمِ

قراءة النعم الجنائية ونسبتها مع الغاية من خلق الإنسان

١. تاريخ الاستلام: ١٦ رجب ١٤٤٧

٢. طالب في المستوى السادس، مدرسة مدينة العلم الكاظمية العلمية، يزد، إيران. (الكاتب المسؤول)

amirhosein.mh.a@gmail.com

٣. أستاذ وباحث في مجال علم الكلام، تخصص الإمامة، معهد الإمامة، يزد، إيران.

Emamatyazd@gmail.com



خوانش نعمت‌های بهشتی و نسبت آن با هدف آفرینش انسان^۱

امیرحسین محی‌الدینی اناری^۲، سید محمد حسینی^۳

چکیده

یکی از درخشان‌ترین و ژرف‌ترین مباحثی که قرآن کریم به آن پرداخته، مسئله پاداش و کیفر اعمال است. در این باره، پرسش‌ها و ابهامات گوناگونی راه یافته‌اند که بی‌گمان مهم‌ترین آن‌ها، پیوند و نسبت میان پاداش اعمال با هدف نهایی آفرینش انسان است. هدف از آفرینش، چنان که در آموزه‌های الهی آمده، دستیابی به معرفت خداوندگاری و تحقق عبودیت است؛ اما آن‌چه در متون دینی به عنوان پاداش برای انسان وعده داده شده، نعمت‌هایی هستند که نمونه‌هایی از آن‌ها در همین دنیا نیز یافت می‌شود و از نگاه ظاهری، با آن غایت‌های بلند و روحانی هم‌سنگ و هم‌تراز به نظر نمی‌رسند؛ نعمت‌هایی همانند «شراب طهور» و «حور مقصور» و... پژوهش حاضر، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به روشن‌سازی همین مسئله پرداخته و نشان داده است که چند عنصر، از برجسته‌ترین دستاوردهای این تحقیق به شمار می‌روند: یکی، بیان پاداش‌های معنوی و والا؛ دیگری، محدودیت درک برخی انسان‌ها از حقیقت‌های فرامادی؛ سوم، ناهماهنگی آشکاری که میان صورت دنیایی نعمت‌ها و حقیقت اخروی آن‌ها دیده می‌شود؛ و چهارم، بهره‌مندی مراتب فروتر بهشتیان از نعمت‌هایی همجنس با درک خود. بدین ترتیب، پاسخ این پرسش اساسی در پرتو فهمی درست از ماهیت نعمت‌های اخروی و سازگاری آن‌ها با مرتبه معنوی انسان، به زیبایی تبیین گردیده است.

واژگان کلیدی: هدف آفرینش، عبودیت، نعمت‌های بهشتی، رضوان الهی، تمثیل‌های قرآنی، قرب الهی.



تاریخ تأیید: ۱ بهمن ۱۴۰۴

۱. تاریخ دریافت: ۱۶ دی ۱۴۰۴

۲. طلبة پایه ششم، مدرسه علمیه مدینه‌العلم کاظمیه، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

amirhosein.mh.a@gmail.com

Emamatyazd@gmail.com

۳. استاد و پژوهشگر حوزه کلام، گرایش امامت، موسسه امامت، یزد، ایران.

حکیمان و اندیشمندان، با دقتی ژرف در این باره اندیشیده‌اند. از جمله، در کتاب‌هایی چون «انسان‌شناسی در قرآن» اثر آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، «هدف خلقت» نوشته سید ابوالحسن مهدوی، و «هدف زندگی» از شهید مطهری، حقیقت جایگاه انسان در نظام هستی به زیبایی تبیین شده و ظرفیت او برای صعود تا آن بلندای معنوی که همتای انبیا و اولیا است، به دقت و ارسای گردیده است.

این پژوهش نیز، درست در همین مسیر گام برداشته: انواع نعمت‌ها و وعده‌های قرآنی را کاویده و پیوند آن‌ها را با غایت آفرینش انسان به بوته تحلیل نهاده است. با رویکردی تحلیلی و با تکیه بر بنیان‌های استوار قرآنی و کلامی، کوشیده تا هم ابهامات را بزدايد و هم تصویری روشن از هماهنگی شگفت‌انگیز میان پاداش‌های اخروی و هدف نهایی خلقت ارائه دهد؛ تصویری که گویی حلقه‌ای گمشده میان فهم عمومی از آیات وعده و درک حقیقت غایی این آفرینش بوده است.

۱. مفهوم شناسی

مفهوم بهشت: بهشت جایگاه نیکان و مؤمنان در آخرت است (راغب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۸). واژه قرآنی آن «جنة» (به معنی باغ پوشیده از درخت) و جمع آن «جنات» می‌باشد. این نامگذاری یا به خاطر شباهت به باغ‌های دنیاست، یا به دلیل پوشیده بودن نعمت‌هایش از اهل دنیا (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۷۷)، چنانکه آیه ۱۷ سوره سجده می‌فرماید: «هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌هایی برای آنها نهفته شده است» (سجده، ۱۷؛ معادینخواه، ۱۳۷۸ش، ص ۱۶۴).

مفهوم خلقت: «خَلَقَ» به معنای آفریدن و آفریده، ۴۰ بار در قرآن آمده است. اصل آن به گفته راغب «اندازه‌گیری و تقدیر» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۷؛ نیز: فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۲۸؛ طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۴۲؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۷۰).

مفهوم نعمت: نعمت در لغت عرب از ریشه «ن.ع.م» به معنای آسایش، خوشی، خیر و شایستگی در زندگی است (گروهی از نویسندگان، بی تا، ج ۲، صص ۹۳۶-۹۳۷). راغب می‌گوید: نعمت، حالت نیک و پسندیده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۹۹).



«انعام» یعنی نیکی رساندن به دیگری. نمونه آن در آیه ۱۰۳ آل عمران که خداوند نعمت الفت دادن میان دل‌های دشمنان را یادآوری می‌کند (آل عمران، ۱۰۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۴۹۹).

۲. بهشتیان و انواع نعم بهشتی

بهشت، همان جهان برتر است؛ سرزمینی خوش‌آب‌وهوا و آکنده از هزاران نعمت دل‌انگیز که نیکوکاران پس از رخت بر بستن از این جهان، جاویدان در آن منزل خواهند گرفت. قرآن کریم از این مکان موعود با واژه «جنت» یاد کرده است؛ واژه‌ای که به معنای «باغ پردرخت» می‌باشد. آیات بسیاری در قرآن، مؤمنان نیکوکار را به چنین بهشتی بشارت داده و زیبایی‌ها و نعمت‌های بی‌کرائش را یک‌یک بر شمرده است. در اینجا به نمونه‌هایی از آن نعمت‌ها اشاره می‌شود:

۱. باغ‌های بهشتی: از مجموع آیات قرآنی به روشنی برمی‌آید که بهشت، در حقیقت، مجموعه‌ای از باغ‌هایی بی‌نظیر و شگفت‌انگیز است که به هیچ روی با باغ‌های این جهان قابل قیاس نمی‌باشند. آنچه در قرآن از بهشت ترسیم گردیده، تنها سایه‌ای کم‌رنگ از حقیقتی است که فراتر از درک ما ساکنان زمینی است. در بیش از یکصد آیه، از بهشت با تعبیر «باغ‌ها»، «باغ» یا «دو باغ» یاد شده است. در آیه ۱۳ سوره نساء می‌خوانیم: «هر که اطاعت خدا و رسولش کند، او را وارد باغ‌هایی از بهشت می‌کند که نهرها از زیر درختانش جاری است» (نساء، ۱۳).

۲. سایه‌های بهشتی: آیات متعددی به سایه‌های دل‌انگیز بهشتی اشاره کرده‌اند. در سوره واقعه می‌خوانیم: «یاران راست‌دست، چه یاران راست‌دستی! در سایه درختان سدر بی‌خار و درختان موز پرمیوه (که خوش‌رنگ و خوشبوست) جای دارند، در سایه‌ای کشیده و گسترده، کنار آبشارها» (واقعه، ۲۷ تا ۳۱). سایه درختان، لطیف‌ترین و زیباترین سایه‌هاست؛ نه مانند سایه‌های خیمه‌ها و اتاق‌های تاریک و نه بی‌بهره از جریان هوا. رطوبت نرم برگ‌ها آن را گوارتر می‌کند و عطر خوش درختان و شکوفه‌ها بر لطفش می‌افزاید. این سایه‌ها جاودانند و هیچ‌گاه آسایش انسان را برهم نمی‌زنند: «میوه‌ها و سایه‌هایش همیشگی است» (رعد، ۳۵).



۳. قصرهای بهشتی: قرآن مجید در آیات متعددی، هر چند به اختصار، از مسکن بهشتیان سخن گفته و آن را با تعبیرهایی گوناگون وصف کرده است. در آیه ۷۲ سوره توبه می‌فرماید: «و برای آنان مسکن‌هایی پاکیزه در باغ‌های جاویدان بهشت خواهد بود».
۴. فرش‌ها و آرائک: از دیگر نعمت‌های شگفت‌انگیز بهشت، فرش‌هایی بس نفیس و دلربا و تخت‌هایی رنگارنگ است. در آیه ۵۴ سوره الرحمن (که خود سوره‌ای سرشار از وصف نعمت‌های بهشتی است) می‌خوانیم: «در حالی که بر فرش‌هایی تکیه زده‌اند که آسترشان از ابریشم ضخیم و گرانبهاست».
۵. غذاهای بهشتی: غذاهای بهشتی، چنان‌که از قرآن برمی‌آید، سرشار از تنوع است. با این حال، از مجموع آیات چنین دریافت می‌شود که خوراک اصلی بهشتیان را میوه‌ها تشکیل می‌دهند. این نعمت در آیات بسیار، با واژگانی گوناگون بازتاب یافته است. در برخی آیات می‌فرماید: «در آن دو باغ بهشتی که از آن پرهیزگاران است، از هر میوه‌ای دو گونه (و دو رنگ) گوناگون وجود دارد» (الرحمن، ۵۲).
۶. شراب‌های طهور: نوشیدنی‌های بهشتی، همانند غذاهای آن، گونه‌گون و شاداب‌بخش است و قرآن با تعبیرهایی دل‌نشین از آنها یاد کرده است. جالب آنکه بسیاری از آنها به شکل نهرهایی جاری‌اند. در آیه ۱۵ سوره محمد ﷺ می‌فرماید: «وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده چنین است: در آن نهرهایی است از آبی صاف و بی‌آلایش که هرگز گندیده نشود، و نهرهایی از شیری که طعمش دگرگون نگردد، و نهرهایی از شراب طهور که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل ناب و تصفیه‌شده».
۷. برترین شراب بهشتی: در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است: «برترین نوشیدنی اهل بهشت، شرابی است که از فراز (چون آبشاری) به سویشان سرازیر می‌شود. آن، چشمه‌ای است که مقربان از آن می‌نوشند و مقربان، خاندان محمدند... آنان شراب تسنیم را ناب و خالص می‌نوشند و دیگر مؤمنان، آمیخته با شراب طهور» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱۲).
۸. ظروف و جام‌ها: بی‌گمان، اصل لذت به خوراک و نوشیدنی بازمی‌گردد، نه به ظرف؛ اما تردیدی نیست که زیبایی ظروف و شیوه پذیرایی، بر لذت نعمت می‌افزاید و گاه آن را دوچندان می‌کند. از این رو، قرآن مجید در آیاتی چند، بر ظرف‌های زرین و سیمین بهشتی -

چه ظروف غذا و چه جام‌های شراب - تأکید کرده و تصویری دلکش از آنها به دست داده است. البته اینها همه سایه‌ای از آن حقیقت والاست. می‌فرماید: «غذاها و شراب‌های بهشتی در ظرف‌هایی از طلا و جام‌هایی زرین گرداگردشان می‌گردانند» (زخرف، ۷۱).

۹. لباس‌ها و زینت‌ها: لباس در بهشت، نه برای دفع سرما و گرماست و نه برای حفظ از آفتها؛ چه آنجا همه چیز در اعتدال است و هیچ گزندی نیست. پس پوشش در آنجا جز زیبایی و آرایش نیست. از همین روی، قرآن کریم بر جنبه آرایشی لباس‌های بهشتی تأکید کرده و آنها را با تعبیرهایی دلپسند وصف نموده است. در آیه ۳۱ سوره کهف می‌فرماید: «آنان لباس‌هایی سبز رنگ از حریر نازک و ابریشم ضخیم بر تن می‌کنند».

۱۰. همسران بهشتی: یکی از ارکان آرامش خاطر و شادی زندگی، همسری شایسته و آراسته به کمالات است. چنین همسری - خواه مرد باشد یا زن - تلخی رنج‌ها را به شیرینی تبدیل می‌کند و طراوت و سرور به زندگی می‌بخشد. برعکس، نبودن چنین همسری (یا بودن همسری ناسازگار) می‌تواند تمام لذت‌های زندگی را نابود سازد. همسران بهشتی، نه تنها مایه لذت تن، که بنیاد لذت روح‌اند. از این رو، قرآن بارها بر این نعمت تأکید کرده و می‌فرماید: «برای بهشتیان در بهشت، همسرانی پاک و پاکیزه است» (بقره، ۲۵).

۱۱. خادمان و ساقیان: خداوند نعمت‌های خود را بر بهشتیان تمام کرده و خدمتکارانی را برگمارده که از آنان به زیباترین شیوه پذیرایی می‌کنند. ساقیانی گرداگردشان می‌گردند و جام‌های شراب طهور به دستشان می‌دهند. زیبایی ظاهر و پاکی باطن و خوی خوش آنان، چنان بهشتیان را مجذوب می‌کند که تمام رنج‌های دنیا را از یاد می‌برند. قرآن در آیات بسیاری، از این خدمتکاران به نیکی یاد کرده است. در سوره طور می‌خوانیم: «نوجوانانی برای خدمت، پیرامونشان می‌گردند که چون مرواریدهای نهفته در صدف، زیبا و پاکند» (طور، ۲۴).

۱۲. پذیرایی‌کنندگان: در میهمانی‌های دنیا، افزون بر خدمتکاران، کسانی نیز دعوت به خوردن و آشامیدن می‌کنند که این خود نشانه حرمت و بزرگی میهمان است. در بهشت نیز فرشتگان و خازنان بهشت، بهشتیان را به بهره‌مندی از نعمت‌ها فرا می‌خوانند. در آیه ۱۹ سوره طور، بی‌آنکه گوینده مشخص شود، بهشتیان مخاطب قرار گرفته‌اند: «بخورید و بنوشید، گوارایتان باد، در برابر آن کردار نیکی که از خود به جای نهادید» (طور، ۱۹).



۱۳. پیش‌پذیرایی بهشتیان: نکته‌ای لطیف اینکه قرآن در چند آیه، از «پیش‌پذیرایی» سخن می‌گوید. نخستین بار در سوره آل عمران، آیه ۱۹۸ آمده است: «برای پرهیزگاران باغ‌هایی است که از زیر درختانشان نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، در حالی که این باغ‌ها پیش‌پذیرایی‌ای از جانب خداست، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است» (آل عمران، ۱۹۸).

۱۴. نعمت‌هایی که به تصور نمی‌گنجد: بی‌گمان، نعمت‌های مادی بهشت تنها به آنچه برشمردیم محدود نیست. طبیعت محدود این جهان، ما را از درک حقیقی نعمت‌های آن جهان باز می‌دارد. از سوی دیگر، انسان طبعی تنوع طلب دارد. قرآن کریم با صراحت اعلام می‌کند: «در بهشت هر آنچه دل بخواهد و چشم از آن لذت برد، وجود دارد» (زخرف، ۷۱). این جامع‌ترین و والاترین تعبیر درباره نعمت‌های بهشتی است. به گفته طبرسی در مجمع البیان، اگر همه جهانیان گرد آیند تا نعمت‌های بهشت را وصف کنند، هرگز نمی‌توانند بر آنچه در این آیه آمده، چیزی بیفزایند. (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۹۴)

۳. هدفمندی جهان از منظر وحی، عقل و وجدان

علاوه بر آنکه خدای تبارک و تعالی هدف از خلقت انسان را در قرآن مجید بیان می‌کند (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، از راه وجدان و عقل نیز به هدفمند بودن خلقت پی می‌بریم. توضیح آنکه: هنگامی که انسان به بنایی می‌نگرد، بی‌درنگ درمی‌یابد که سازنده آن بنا، آن را برای تحقق امری ساخته است؛ بی‌گمان، دلیل و هدفی در کار بوده که او را به این ساختن واداشته است. آیا هیچ انسان خردمندی گمان می‌برد که آن بنا برای هیچ و پوچ ساخته شده باشد؟ یعنی هیچ علتی وجود نداشته که سبب پیدایش این معلول گردد؟ طبیعتاً چنین نیست. انسان در همان لحظه نخست، هدف‌داری را درک می‌کند، هرچند از چیستی آن هدف آگاه نباشد.

۳.۱. سنخ‌شناسی هدف الهی در آفرینش هستی

در بحث از هدف الهی در آفرینش، نخست باید سنخ و معنای «هدف» روشن شود؛ زیرا بسیاری از ابهام‌ها از آنجا پدید می‌آید که مفهوم هدف بدون تفکیک ساحت انسانی و الهی



به کار می‌رود. از این رو، پیش از هر چیز لازم است «هدف فاعلی» که برآمده از تلقی انسانی از فاعلیت است، مورد توجه قرار گیرد.

۱. ۱. ۳. هدف فاعلی، از سنخ نگاه انسانی به خداوند

به طور معمول، هنگامی که پرسشی از این دست مطرح می‌شود، از منظر یک انسان و بر پایه تجربه بشری بیان می‌گردد؛ حال آن‌که باید دانست میان خالق و مخلوق، فاصله‌ای بی‌انتهای ماهیتی کاملاً متفاوت وجود دارد. کسانی که می‌پرسند: «هدف خدا از آفرینش چیست؟» اغلب، ناخودآگاه در ورطه خطرناک تشبیه - یعنی همانندسازی فاعلیت خدا با فاعلیت انسان - سقوط کرده‌اند. آنان فعل الهی را چون فعل بشر انگاشته‌اند؛ در حالی که چنین پرسشی از بنیاد صحیح نیست، زیرا خداوند خود، غایت و نهایت هر کمالی است، نه آن‌که برای ذات خویش غایتی بجوید.

هر انسانی کاری را برمی‌گیرد تا کاستی‌ای را بزدايد و نیازی را برطرف کند و از رهگذر آن، به مرتبه بالاتری از کمال برسد. این احساس نقص، او را به تلاش وامی‌دارد؛ تلاش‌هایی که هر یک به گونه‌ای در جبران نواقص و تکمیل وجود او مؤثرند. به همین سبب، بشر برای دستیابی به هدفی که برگزیده است، می‌کوشد کمبود خویش را برطرف سازد و مسیر تکامل را پیماید. گاه برای دیدار یار، سفر می‌کند؛ گاه برای گریز از گرسنگی، به خوردن می‌پردازد؛ و در همه این تلاش‌ها، در پی آن است که کار خویش را به واقعیتی برساند که در نظر او کمال شمرده می‌شود و نقص وجودش را به تمامیت بدل کند.

از این تأمل، به روشنی درمی‌یابیم که آفریدگار جهان - که کمال مطلق و مبرا از هرگونه نقص است - نمی‌تواند در افعال خود مقصد یا غرضی داشته باشد که به سان موجودات ناقص، مایه تکامل او گردد. فاعل‌های ناقص، پیوسته در جستجوی هدفی هستند که کمبودشان را جبران کند؛ اما در مورد خداوند بی‌نیاز، چنین معنا و مفهومی مطلقاً راه ندارد. پس آن ذات مقدس، در کارهای خود غرضی که متمم و کمال‌بخش وجودش باشد، ندارد؛ چرا که هدف، به معنای کمالی است که نقصی را جبران کند، و برای آفریدگار هستی، هیچ نقصی فرض نمی‌شود تا نیل به آن هدف، لازمه وجودش گردد.



۲. ۱. ۳. هدف فعلی، از سنخ نگاه الهیاتی

باید توجه نمود که اگر می‌گوییم برای آفریدگار جهان هدف و غرضی نیست، این سخن غیر از آن است که بگوییم آفرینش، هدف و غرض ندارد یا کار او فاقد غرض است. نفی هدف برای آفریدگار، غیر از آن است که آفرینش را بی‌هدف و بی‌غرض تصور نماییم. مقصود سخن این است که آفرینش انسان، هدفی دارد و جهان به خاطر هدفی آفریده شده است، هرچند برای آفریدگار که کمال مطلق است، هدفی که مکمل وجود او باشد در کار نیست تا از این طریق نقص خود را برطرف کند.

معنای حکمت الهی این نیست که خداوند اشیاء را به کار می‌گیرد و میان آن‌ها رابطه‌ای برقرار می‌کند تا به نتیجه‌ای برسد؛ بلکه به این معناست که او اشیاء را آفریده و برای آن‌ها کمالاتی نهاده است و توجه به این کمالات را در درون آن اشیاء قرار داده که نامش «هدایت» است. با این تفصیل، روشن می‌شود که منظور ما از «هدف»، هدف فعلی است، نه هدف فاعلی.

۲. ۲. ۳. هدف از آفرینش انسان در نگاه قرآن

علامه طباطبایی در باب هدف خلقت آدمی، سخنان فراوان و متنوعی بیان فرموده‌اند. در اینجا به اختصار، برخی از آن‌ها را از تفسیر المیزان بازگو می‌کنیم:

۱. ۲. ۳. هدف طهارت و پاکی

خداوند متعال می‌فرماید: «خدا نخواسته شما را دچار حرج کند، بلکه خواسته است تا پاکتان سازد.» (مانده، ۷) در این آیه، هدف نهایی از خلقت انسان‌ها، تشریح دین و در پی آن، طهارت الهی معرفی شده است. این کمال انسانی، همچون سایر کمالاتی که خداوند و عقل به سوی آن فرا می‌خوانند، نصیب همگان نمی‌شود و تنها گروهی خاص بدان دست می‌یابند، هرچند همه انسان‌ها به سوی آن دعوت شده‌اند. تربیت یافتن در پرتو دین، نتیجه‌ای است که در کسانی معدود، به شکوفایی کامل می‌رسد و آنان را به درجه طهارت تام نفس ارتقا می‌دهد؛ سایر مردم نیز به درجاتی از آن می‌رسند که بسته به استعدادشان متفاوت است. راه دستیابی به این هدف، آن است که حقیقت نفس به خود انسان شناسانده شود و او در دو حوزه «علم» و «عمل» تربیت گردد. در حوزه علم، باید حقایق مربوط به او - از مبدأ تا معاد - به وی تعلیم داده شود تا هم نفس خویش را



بشناسد و هم حقایق عالم را که نفس او با آن‌ها پیوند دارد. در حوزه عمل، بر او باید قوانین صالح اجتماعی تحمیل شود تا شئون زندگی جمعی اش سامان گیرد و مفسد اجتماعی، او را از بهره‌مندی از علم و عرفان باز ندارد؛ پس از آن، عبادات بر او مقرر می‌گردد تا با تکرار و مراقبت در انجام آن‌ها، قلبش رو به مبدأ و معاد آورد و به عالم معنا و طهارت نزدیک گردد و از آلودگی‌های مادی و پلیدی‌های آن پاک شود. (موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۳، ص ۸۹)

۳.۲.۲. عبادت و رسیدن به مقام عبودیت

هدف اصلی از خلقت انسان، عبادت و رسیدن به مقام عبودیت است: «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.» (ذاریات، ۵۶) رسیدن به این مقصد نیازمند اهداف میانی همچون امتحان است. خداوند انسان را آفرید تا او را بیازماید: «آن که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک نیکوکارترید.» (ملک، ۲) و نیز فرمود: «آنچه بر زمین است، زینت آن گردانیدیم تا مردمان را بیازماییم.» (کهف، ۷) امتحان، غرض اصلی نیست؛ بلکه وسیله‌ای است تا استعدادها آشکار شود و خوب و بد از هم بازشناخته گردد: «تا خداوند ناپاک را از پاک جدا سازد.» در نهایت، تنها گروهی به مقام عبودیت می‌رسند و ایشان هدف نهایی آفرینش به شمار می‌آیند. چنان‌که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «اگر تو نبودی، افلاک را نمی‌آفریدم» (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۶، ص ۴۰۵) و نیز: «ای محمد، به عزت و جلالم سوگند، اگر تو نبودی، آدم را نمی‌آفریدم.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۲۰؛ موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۰، ص ۲۲۵)

۳.۲.۳. ظهور کامل دین الهی

خداوند وعده می‌دهد: «به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها و در درون جانشان به آنان نشان خواهیم داد تا برایشان روشن گردد که او همان حق است.» (فصلت، ۵۳) این آیه، امکان ظهور کامل دین الهی و سیطره آن بر تمامی ادیان را بشارت می‌دهد تا تنها خداوند پرستیده شود و سعادت همه نوع بشر فراهم گردد که همین، هدف آفرینش است. این معنا از آیه ۵۵ سوره نور نیز فهمیده می‌شود: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته



کرده‌اند وعده داده است که ... مرا بپرستند و چیزی را با من شریک نسازند.» (موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۷، ص ۶۱۳)

۳.۲.۴. رحمت الهی

آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره هود غرض خلقت را رحمتی معرفی می‌کند که با عبادت و هدایت پیوند خورده است. این هدف تنها در برخی بندگان تحقق می‌یابد. اما آیه «و من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند» (ذاریات، ۵۶) عبادت را غایت خلقت همه بیان می‌کند. جمع میان این دو چنین است که خلقت برخی به خاطر برخی دیگر است تا در نهایت، خلقت به اهل عبادت برسد. همان‌گونه که در کشتزار، گیاهان غیرمثمر نیز برای تغذیه دام پرورش داده می‌شوند تا کود دام موجب باروری درخت شود و میوه‌ای بهتر دهد، در خلقت عالم نیز همه برای عبادت آفریده شده‌اند. (موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۸۴)

۳.۲.۵. رضایت خداوند از صادقان

آیه «خداوند فرمود: امروز روزی است که راستی راستان به سودشان باشد» (مائده، ۱۱۹) بیان می‌کند که رضایت خداوند از صادقان، هنگامی حاصل می‌شود که غرض خلقت ایشان، یعنی عبودیت کامل، تحقق یافته باشد؛ همان‌گونه که درباره حضرت سلیمان و ایوب علیهم‌السلام فرمود: «بنده نیکو، که او بسیار بازگشت‌کننده (به سوی ما) بود.» (صاد، ۳۰) (موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۶، ص ۳۶۱)

۳.۲.۶. نفی لهو و عبث

لهو و عبث در کار خدا راه ندارد: «و ما آسمان و زمین را از روی بازی نیافریدیم.» (انبیاء، ۱۶-۱۷) اگر خلقت بی‌هدف بود، لعب و سرگرمی تلقی می‌شد، در حالی که چنین معنایی درباره خدا محال است. بنابراین، معاد غرض خلقت است که مستلزم نبوت و همه‌لوازم آن، از جمله تعذیب ظالمان و احیای حق می‌باشد: «بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم.» (انبیاء، ۱۸). (موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۴، ص ۳۶۴)

۳.۲.۷. عبادت به عنوان غرض نهایی



غرض هرچه باشد، امری است که موجب استکمال صاحب غرض می‌گردد، در حالی که خداوند سبحان از هر نقص و حاجت منزّه است. اگر فعل الهی به هدفی که عاید فاعل شود ختم نشود، لغو و بیهوده است؛ اما غرض خدا ذات خود اوست، نه چیزی بیرون از ذات. پاداش دادن به انسان، کمال فعل خداست و عبادت، غرض از خلقت انسان است؛ غرضی که توابعی چون رحمت و مغفرت را نیز در پی دارد. این غرض نهایی، همان حقیقت عبادت است، یعنی بریدن کامل از غیر خدا و پیوستن به یاد و ذکر پروردگار. (موسوی همدانی، ۱۳۸۲ش، ج ۱۸، ص ۵۷۹)

۳.۳. جمع‌بندی

اکنون می‌توانیم سخن خود را در چند نکته خلاصه کنیم:

نخست: اگر فاعلی در فعل خود هدف و غرضی نداشته باشد و غایتی آگاهانه برای فعلش در نظر نگرفته باشد، اهل لهو و لعب است. بنابراین، خداوند متعال یقیناً برای فعلش غایتی معین کرده و در فاعلیت خود دارای غرض است.

دوم: اگر غرض فعل به فاعل بازنگردد، کار آن فاعل لغو و سفیهانه خواهد بود. پس فعل هر فاعل حکیم و غرضمندی باید کمالی در پی داشته باشد. لکن خداوند متعال از آن جهت که کمال محض است، محال است با فعل خود کمال یابد. لذا غرضی که به ذات خدا بازمی‌گردد، خود ذات اوست، نه کمالی برای ذاتش. به بیان دیگر، خدا از آن جهت که کامل محض است و فاعلیت، کمال بالفعل اوست، فعل انجام می‌دهد، نه برای کسب کمال. پس برای افعال او اغراضی است و غرض خود او، ذات خود اوست.

سوم: برای خلقت انسان، اغراض طولی گوناگونی لحاظ شده است؛ هر غرضی نسبت به غرض پیش از خود، غایت و نسبت به غرض پس از خود، وسیله و واسطه است. و غرض اصلی و نهایی خلقت انسان، رسیدن به مقام عبودیت و بریدن از هر چه غیر خداست، به گونه‌ای که حتی از خود نیز بی‌خبر شود و جز خدا نبیند.

چهارم: در سیر بشر به سوی غرض اصلی خلقت، همگان به آن غایت نهایی نمی‌رسند، لکن هر کسی به مراتبی از آن بار می‌یابد. لذا کل عالم خلقت و تمام اغراض میانی برای آن آفریده شده‌اند که آن غرض نهایی، دست‌کم برای یک نفر حاصل شود. و آن که به غرض



نهایی می‌رسد، به تنهایی هم وزن تمام هستی، بلکه اشرف از همه آنهاست. از این رو فرمود:
«اگر تو نبودی، افلاک را نمی‌آفریدم.» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۲)

۳.۴. هدف خلقت انسان در نگاه عقل

همه مخلوقات - و از جمله انسان - محدود به حدود هستند؛ یعنی کامل نیستند و از این رو عاشق کمالند. علت حرکت و انجام هر کاری (هدف از کار) همان میل رسیدن به کمال است، و این میل رسیدن به کمال، همان عشق به خداوند متعال است؛ زیرا این عشق، تنها راه برای رسیدن به کمال مطلق می‌باشد.

میل و عشق و حرکت به سوی او، ذاتی اشیاء است. علامه طباطبایی ذیل آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» توضیح می‌دهد که عبادت، همان حرکت جوهری به سوی کمال مطلق است. هر موجودی غایتش این است که خود را به عالی‌ترین درجه‌ای که برایش ممکن است برساند؛ یعنی میل به بالا رفتن، ذاتی هر موجود است. و چون میل و عشق به غایات از عشق به علل ناشی می‌شود، در نهایت امر، غایت‌جویی همه موجودات این است که می‌خواهند به ذات حق - که علت العلل است - تقرب پیدا کنند. تشبیه به ذات علت، یعنی این که هر چه بیشتر به کمال مطلق نزدیک شوند، بیشتر متکامل می‌گردند.

بازگشت به خداوند، همان بازگشت اشیاء به علت خود و حرکت اشیاء به سوی غایاتشان است که ذاتی همه موجودات می‌باشد. هدف انسان هرچه باشد، به سوی آن می‌رود. اگر این هدف ناقص و فانی باشد، انسان نیز به کمال نمی‌رسد و به هلاکت می‌افتد؛ اما اگر هدف کامل و باقی باشد، انسان همواره به سوی کمال رفته و حیات و بقا می‌یابد. چه هدفی به غیر از کمال مطلق - الله جل جلاله - کامل و باقی است؟ هر چه به غیر از خداوند متعال در نظر گرفته شود، خود مخلوق، محتاج و فانی است. لذا انسان باید با عقل، اختیار، علم، راهنمایی توسط انبیاء و کتاب، و نیز با تبعیت از انسان کامل، خداوند را هدف بگیرد و به سوی او حرکت کند تا به کمال برسد. این یعنی عبادت.

۴. همخوانی نعمت‌های بهشتی با هدف آفرینش

هدف آفرینش انسان در قرآن کریم به صراحت در آیه ۵۶ سوره ذاریات بیان شده است:



«جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند.» (ذاریات، ۵۶) این آیه به روشنی نشان می‌دهد که غایت نهایی خلقت، رسیدن به مقام عبودیت و معرفت الله است. اما پرسش اصلی این است: چگونه نعمت‌های مادی و ظاهری بهشت (مانند باغ‌ها، شراب طهور، حورالعین و...) با این هدف والا همخوانی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش، باید به چند نکته اساسی توجه کرد.

۱/۴. تمثیل و محدودیت زبان بشری

ساحت بهشت، ساحت تجرد و کمال مطلق است. حقیقت نعمت‌هایش آن‌چنان از جنس لذات شهودی و قرب الهی می‌باشد که عقل محصور در عالم ماده، توان تصویر آن را ندارد. حتی اگر پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بخواهد عین آن لذات را وصف کند، شنونده زمین‌نشین هرگز قادر به فهم و دریافت آن نخواهد بود. از این رو، حکمت تربیت اقتضا می‌کند که تمثیل به کار رود؛ یعنی بیان آن حقایق بر اساس نمونه‌های محسوس دنیا که برای ذهن‌ها آشنا و مأنوس است.

قرآن کریم برای تبیین این حقایق، از زبان مردم مدد جسته است:

ا. تمثیل باغ و نهرها: این تمثیل، نماد وسعت و جریان دائمی رحمت و طراوت قرب است. آنچه در آیات «باغ‌هایی که از زیر درختانشان نهرها جاری است» (بقره، ۲۵) آمده، تصویری محسوس از حیات جاویدانه و جریان سرمدی فیض الهی می‌باشد.

ب. تمثیل حورالعین: این تمثیل، نماد صفای کامل و زیبایی مطلق روح و وجود است، نه جسم خاکی. در واقع، نوعی تجلی از معشوق حقیقی و محبوب ازلی است که در منظر اهل معرفت، زینت بهشت همان مشاهده ربّ می‌باشد.

ج. شراب طهور: در آیه «و پروردگارشان شرابی پاکیزه به آنان بنوشاند» (انسان، ۲۱)، مراد نوشیدنی‌ای است که دل‌ها را پاک می‌کند؛ جرعه‌ای از معرفت ناب که هر آلودگی غفلت را می‌زداید. گواه این حقیقت، آیه مهم «پس هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌هایی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آنان نهفته شده» (سجده، ۱۷) است؛ آیه به روشنی تصریح می‌کند که حقیقت پاداش‌ها از دایره ادراک بشر فراتر است. پس آنچه در قرآن بیان شده، تنها پوسته‌ای قابل فهم از گوهری بی‌نهایت می‌باشد.



روایات معصومین علیهم السلام نیز این معنا را تأیید می‌کنند. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «آنچه نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه بر قلب هیچ بشری گذشته است.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۴۲) این حدیث شریف با صراحت تمام، پاداش‌های بهشتی را از همه مقیاس‌های دنیایی برتر و والاتر می‌داند.

بنابراین، نعمت‌های مادی نما در قرآن، پوسته‌ای تمثیلی برای حقایق روحانی هستند. این تمثیل‌ها، همانند واژه‌هایی که بر صفحه کاغذ می‌نشینند تا مفهوم را به ذهن روانه کنند، عمل می‌کنند؛ ولی ذات آن مفهوم در عالم معناست. در بهشت، این حقایق به صورت اصل معنوی خود آشکار می‌شوند: باغ‌ها همان گستردگی امن قرب، حوران همان صفای روح مأنوس با حق، و شراب طهور همان نوشیدن بی‌واسطه علم و حضور الهی است.

۲/۴. نعمت‌های بهشتی به عنوان تجلی رضایت الهی

انسان در همه مراحل حیات خویش - از آغاز تولد تا لحظه وداع با جهان - همواره در جستجوی معنایی عمیق‌تر از خویشتن است؛ معنایی که بتواند عطش جاودانگی او را سیراب کند و قلب پرسوز و گدازش را به آرامش رساند. وقتی قرآن کریم پاداش بندگان صالح را وصف می‌کند، اگرچه از باغ‌هایی که نهرها از زیر درختانشان جاری است سخن می‌گوید، از حورالعین با چشمان درشت و جمال خیره‌کننده یاد می‌کند، و از شراب طهور که پاکی و نشاط می‌بخشد گفتگو می‌نماید، اما همیشه در پس این تصویرهای دل‌انگیز، حقیقتی والاتر و نامحدود ایستاده است: حقیقت رضوان الهی.

آنان که در بهشت جای می‌گیرند، تنها بهره‌مندی از نعمت‌های مادی را تجربه نمی‌کنند، بلکه جان‌تشنه آنان با نسیم لطیف رضایت پروردگار نوازش می‌شود. آیه شریفه «خداوند از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنودند» (مائده، ۱۱۹) رابطه‌ای دوطرفه و هماهنگ را ترسیم می‌کند؛ رابطه‌ای که در آن خداوند از بندگان خشنود است و بندگان نیز از او خشنودند. این خشنودی متقابل، فراتر از همه مکان‌ها و زمان‌ها، نقطه‌نهایی مسیر پرمشقت زندگی مؤمن است و بزرگ‌ترین موهبتی به شمار می‌آید که در مقیاس آخرت می‌توان تصور کرد.

هنگامی که سخن از رضوان الهی به میان می‌آید، قرآن کریم به‌شکلی ظریف و هوشمندانه، ارزش‌گذاری تمام روایات و تعریف‌های بهشت را دگرگون می‌سازد. آیه «و



خشنودی خداوند بزرگتر است» (توبه، ۷۲) همچون قطره‌ای از حقیقت بی‌کران دریای رضوان بر دل‌های مؤمنان می‌چکد و به یادشان می‌آورد که رضایت خداوند، از هر لذت و نعمت دیگری برتر و والاتر است. در نگاه نخست، شاید باغ‌ها و جویبارها و قصرهای زرین و همسران پاک، غایت پاداش به نظر آیند، اما قرآن اعلام می‌کند که همه اینها تنها مقدمه‌ای است تا دل مؤمن به والاترین تجربه دست یابد؛ تجربه آن که معبودش به او می‌گوید: «از تو خشنودم.» این جمله، چنان وزنی دارد که از همه دنیا و آخرت سنگین‌تر است و چنان ارزشی دارد که تمامی نعمت‌ها در سایه آن معنا می‌یابند.

در حقیقت، نعمت‌های مادی بهشت، چنان‌که در آیات و احادیث آمده، اگرچه به ظاهر مربوط به جسم و حواس ظاهری هستند، اما در باطن چیزی جز نشانه و یادآور محبت خدا نمی‌باشند. بهشتیان، هر بار که از میوه‌ای لذت می‌چشند یا جرعه‌ای از شراب طهور می‌نوشند، در قلبشان شعله‌ای از یاد محبوب زبانه می‌کشد. آنان همان‌گونه که از لذت شکوفه‌های جاویدان بهره می‌برند، به یاد وعده‌های صادق الهی می‌افتند و این یاد شیرین، لذت مادی را به لذتی معنوی و ژرف تبدیل می‌کند. بدین سان، باغ‌های بهشتی و حورالعین و نهرها، همگی ابزارهایی هستند برای پیوند زدن دل و جان به رضوان الهی.

از این رو، روشن می‌شود که لذت حقیقی بهشت هرگز در خوردن و آشامیدن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه حقیقت آن در این است که بندگان، جمال بی‌حجاب پروردگار را می‌نگرند و در این دیدار روح‌نواز، تمام شوق‌ها و امیدهای عالم را یکجا می‌یابند.

از نگاه علم کلام، رضوان الهی همان مرتبه قرب است که انسان را از مرتبه ملکی به ساحت ملکوتی و لاهوتی پرواز می‌دهد. هنگامی که بنده به آن درجه رفیع رسد، رابطه او با نعمت‌های ظاهری دیگر رابطه مالکیت و بهره‌گیری صرف نیست؛ بلکه هر نعمت، همچون آینه‌ای شفاف، چهره محبوب را منعکس می‌کند. یک برگ گل در بهشت، حامل رضا و لطف خداست، و یک جرعه آب خنک، معنای پذیرش و مهر او را در دل می‌نشانند. به همین دلیل است که اولیای الهی و اهل سلوک، هرگز به نعمت‌های حسی به چشم هدف غایی نمی‌نگرند؛ این نعمت‌ها برای آنان، صرفاً نشانه‌هایی هستند که مسیر را به سمت مقصد اصلی



نشان می دهند. همین دیدگاه نافذ است که آیه رضوان را به عنوان معیار برتری یاد می کند و همه وعده های بهشتی را زیر سایه پر مهر و محبت خود قرار می دهد.

در جهان بی کران بهشت، رضایت دوطرفه خدا و بنده، همه فضای روح را پر می کند. بنده آگاه است که هر بهره مندی جسمانی، اگر با رضوان الهی پیوند نیافته باشد، همچون جسمی بی روح خواهد بود. اما هنگامی که رضوان حضور دارد، حتی لذتی کوچک و ساده، ارزشمند و جاودانه می شود. این ترکیب شگفت انگیز از لذت مادی و شغف معنوی، بهشت را به تجربه ای یگانه بدل می سازد که هرگز در هیچ کجای هستی تکرار نمی شود. حقیقت رضوان، همان مهر تأییدی است که بر مسیر پرفراز و نشیب انسان در دنیا نقش می بندد و گواه کامیابی او در امتحان های دشوار الهی است. از این رو می توان گفت که رضایت خداوند، بهشت را از سطح یک مکان دلپذیر و خوش آب و هوا، به مرتبه والای یک تجربه عاشقانه و مقدس ارتقا می بخشد؛ تجربه ای که در آن هیچ فاصله میان عاشق و معشوق باقی نمی ماند و تمام هستی را رضایت طرفینی فرا می گیرد.

۴/۳. تفاوت ماهوی نعمت های دنیوی و اخروی

جهان مادی، با همه جلوه های چشم نواز و فریبنده خود، در حقیقت صحنه ای گذرا و ناپایدار است. باغ های سرسبز و خرم آن، روزی بر اثر وزش بادهای سخت و باران های سیل آسا پژمرده و خزان زده می شوند. قصرهای زرین و باشکوهش، زیر فشار چرخ های سهمگین زمان، فرسوده و روبه ویرانی می روند. و حتی لذت های دل انگیزش که بر قلب آدمی می نشیند، زود یا دیر رنگ می بازد و به کام تلخ فنا و نیستی سپرده می شود. در این دنیای فانی، هیچ چیز کاملاً خالص و سراسر بی نقص نیست؛ با هر شادی، غمی در کمین است و هر لذتی، سایه ای از اندوه یا بیم از دست دادن را بر دوش می کشد. از همین روست که همه نعمت های دنیوی، حتی اگر بزرگ و درخشان و چشم گیر باشند، در حقیقت محدود، ناقص و کوتاه مدت اند.

اما نعمت های بهشت، همان گونه که قرآن کریم به صراحت می فرماید، سرشتی کاملاً دیگر دارند: «نه فناپذیرند و نه پایان پذیر» (غافر، ۴۰). در آن جهان جاودان، باغ های بهشتی هرگز پژمرده و خزان زده نمی شوند، جویبارها هرگز خشک نمی گردند، و لذت ها نه تنها کم



نمی‌شوند، بلکه هر لحظه بر عمق و لطافت و شیرینی آنها افزوده می‌گردد. بهشت، سرزمینی است که زمان در آن هیچ حکومتی ندارد؛ دقیقه‌ها و ساعت‌ها تنها برای شادمانی و نزدیکی هر چه بیشتر به محبوب سپری می‌شوند، نه بر اثر فرسایش و پایان یافتن عمر نعمت‌ها. این تفاوت ماهوی، تنها در دوام و بقای نعمت‌ها خلاصه نمی‌شود، بلکه در حقیقت و خلوص آن‌ها نیز ریشه دارد. نعمت‌های بهشت، هیچ‌گاه با آلودگی، خطر یا اضطرابی آمیخته نیستند. لذت جسمانی و روحانی به گونه‌ای هماهنگ و دلنشین در جان مؤمن موج می‌زند؛ جرعه‌ای از شراب طهور، هم‌زمان بدن را سرشار از نشاط می‌کند و روح را با شغف و معرفت الهی می‌آراید. همین پاکی و خلوص شگفت‌انگیز است که نعمت‌های بهشتی را از همه لذت‌های مادی - چه در زمین و چه در آسمان نخستین - جدا و متمایز می‌کند.

از نگاه اهل معرفت، هر نعمتی در بهشت، دریچه‌ای است رو به سوی خداوند بی‌همتا. «حورالعین» اگرچه به ظاهر نماد زیبایی و انسِ همدلانه است، اما در باطن، نمایانگر هماهنگی کامل با اراده الهی و تجلّی محبت بی‌کران خداوند به بندگانش می‌باشد. یعنی در عالم قدسی بهشت، حتی لذت همراهی و انس نیز بازگشتی دارد به یاد و نام او. در بهشت، هیچ چیز از خدا جدا نیست و هیچ زیبایی بی‌ارتباط با محبوب حقیقی باقی نمی‌ماند.

در روایات معصومین علیهم‌السلام، این حقیقت ژرف بارها و بارها بیان شده است. از جمله، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند: «دنیا زندان مؤمن است و قبر دژ او و بهشت جایگاهش.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۹۱) این روایت نورانی، مرز غیرقابل عبور میان لذت‌های زودگذر و فریبنده دنیا و نعمت‌های جاودان و راستین آخرت را به زیبایی نشان می‌دهد. در زندان تاریک دنیا، نعمت‌ها همواره مشروط، محدود و آمیخته با رنج‌اند؛ اما در خانه روشن آخرت، آزاد، بی‌پایان و سراسر صفا و صمیمیت‌اند.

تفاوت مهم دیگری که باید بر آن تأکید ورزید، این است که نعمت‌های اخروی نه تنها مانع عبودیت و قرب الهی نیستند، بلکه خود مستقیماً ابزاری برای رشد و تقرّب به شمار می‌آیند. در بهشت، بهره‌مندی از نعمت‌ها، خود شکلی از عبادت است؛ چراکه هر نعمتی در آنجا از دست قدرت و لطف بی‌کران خدا به بندگان رسیده است و مصرف و استفاده از آن، یادکردی است از



مجلس شورای اسلامی

خالق مهربان و ستایشی است بر کرامت و بخشندگی او. در دنیا، لذت‌ها غالباً انسان را به غفلت و فراموشی می‌کشند، ولی در بهشت، هر لذتی بیداری تازه‌ای به ارمغان می‌آورد و هر زیبایی، نگاه تشنه‌ی مؤمن را به سرچشمه‌ی جمال - یعنی ذات مقدّس الهی - باز می‌گرداند.

این معنا را می‌توان چنین خلاصه کرد: دنیای فانی و ناپایدار، بهشت نیست، زیرا لذت‌هایش محدود، همراه با دغدغه و خطر، و آمیخته با ناپاکی‌هاست؛ اما بهشت، جهانی است که لذت‌هایش بی‌خطر، بی‌پایان، ناب، خالص و خدا محورند. تفاوت ماهوی نعمت‌های دنیوی با اخروی، تفاوت یک قطره لرزان و ناپایدار آب با دریای بی‌کران آرامش است. این دریای موج و آرام، همان اقیانوس بی‌نهایت رضای رب و قرب به معبود است که هر موج دل‌نوازش، بنده را نه به ساحل فراغ و جدایی، بلکه به عمق معرفت و عشق الهی می‌برد.

۴/۴. تطابق نعمت‌ها با مراتب معنوی بهشتیان

بهشت، جهان همگن و یکنواختی نیست؛ سرزمینی است با قله‌های رفیع و دشت‌های گسترده، با مقامات و درجاتی بس گوناگون که هر یک را گروهی خاص از اهل ایمان و یقین اشغال کرده‌اند. همان‌گونه که در زندگی این جهانی، بندگان از نظر خلوص نیت، شدت ایمان، و عمق معرفت با یکدیگر تفاوت دارند، در سرای جاوید آخرت نیز این تفاوت‌ها در قالب درجات گوناگون نمود و ظهور پیدا می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: «و برای هر یک درجاتی است به اندازه آنچه انجام داده‌اند» (انعام، ۱۳۲)؛ یعنی هر کس به مقدار عمل خویش، جایگاهی ویژه خواهد داشت.

در مراتب نخستین بهشت، بهشتیان از نعمت‌هایی بهره‌مند می‌شوند که شکوه و زیبایی‌شان برای انسانِ خوگرفته به دنیا، تا حدودی آشناست: باغ‌های سرسبز و خرّم، جویبارهای زلال و روان، میوه‌های تازه و همیشگی، و هم‌نشینی با حورالعین. چنان‌که خدای متعال در وصف بهشت فرموده است: «در آن نهرهایی است از آبی گندیده نشده، و نهرهایی از شیری که طعمش دگرگون نگشته، و نهرهایی از شرابی که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل تصفیه شده.» (محمد، ۱۵) اینها نعمت‌هایی هستند که بُعد جسمانی و ظاهری‌شان برای همگان آشکار است، اما باطن ژرف آن‌ها سرشار از معنا و یاد خداوند می‌باشد.



نتیجه گیری

با بررسی عمیق و ژرف کاوانه نسبت میان نعمت‌های بهشتی و هدف آفرینش انسان، به نتایج روشن و ارزشمندی دست می‌یابیم:

۱. هماهنگی ذاتی میان نعمت‌های بهشتی و هدف خلقت: نعمت‌های بهشتی نه تنها با هدف عبودیت و معرفت‌الله در تضاد و تنافی نیستند، بلکه تجلی عینی و آشکار همان حقیقتی به شمار می‌آیند که انسان در سراسر مسیر بندگی، مشتاقانه در پی آن بوده است. این نعمت‌ها، در حقیقت، صورت متجسد و عینیت‌یافته همان رابطه معنوی و عرفانی هستند که بنده در طول حیات دنیوی خویش با پروردگار خود برقرار کرده بود.

۲. تمثیل بودن نعمت‌ها و حقیقت برتر آن‌ها: آنچه در قرآن کریم به عنوان نعمت‌های بهشتی توصیف شده، در حقیقت تنها تصاویری محدود و متناسب با سطح فهم بشری از حقیقتی فراتر و بی‌نهایت والاتر است. همان‌گونه که آیه ۱۷ سوره سجده به روشنی اشاره می‌کند، هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌هایی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آنان نهفته شده (سجده، ۱۷). بنابراین، شراب طهور، حورالعین و دیگر نعمت‌های بهشتی، همگی نمادهایی از لذات معنوی و روحانی هستند که درک کامل و حقیقت آن‌ها در محدوده این جهان خاکی برای انسان ممکن نیست.

۳. نعمت‌ها به عنوان تجلی رضایت الهی: والاترین و برترین پاداش بهشتیان، بی‌گمان همان رضایت الهی است که در آیه ۱۱۹ سوره مانده به زیبایی از آن یاد شده است: خداوند از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنودند (مانده، ۱۱۹). همه نعمت‌های دیگر بهشت، در حقیقت، مظاهر و نشانه‌هایی از این رضایت بی‌کران هستند. هر نعمتی که بهشتی از آن بهره‌مند می‌شود - از لذت یک جرعه شراب طهور تا زیبایی دیدار حورالعین - در واقع جلوه‌ای از محبت، لطف و خشنودی پروردگار است که در قالب‌های محسوس و مأنوس برای بنده به نمایش درآمده است.

۴. تناسب نعمت‌ها با مراتب معنوی: بهشت، سرزمینی یکسان و همگن نیست؛ بلکه دارای درجات و مراتب گوناگونی است که هر یک کاملاً متناسب با سطح کمال، عبودیت و معرفتی است که انسان در دنیا برای خود فراهم ساخته است. این حقیقت نشان می‌دهد که



نظام پاداش اخروی در قرآن، کاملاً عادلانه، دقیق و متناسب با تلاش‌های معنوی انسان در دنیا طراحی شده است. همان‌گونه که در جهانِ خاکی، هر کس به اندازه ظرفیت وجودی خود از هدایت الهی بهره می‌برد، در سرای باقی نیز هر کس به اندازه ظرفیت معنوی خویش از نعمت‌های بهشتی بهره‌مند خواهد شد.

۵. نگاه جامع به هدف خلقت: هدف نهایی و غایی خلقت انسان، چیزی جز رسیدن به مقام والای «عبد» بودن نیست؛ مقامی که در آن، انسان از هر چه غیر خداست آزاد و رها می‌شود و به بالاترین درجهٔ قرب و نزدیکی به حضرت حق نائل می‌آید. نعمت‌های بهشتی نه تنها مانعی برای دستیابی به این هدف شگرف نیستند، بلکه خود ابزارهایی کارآمد برای تقویت این رابطه و عمق بخشیدن به آن به شمار می‌آیند. حتی مادی‌ترین و زمینی‌ترین توصیفات که در قرآن از بهشت ارائه شده، در باطن خود حامل عمیق‌ترین و والاترین معانی عرفانی و روحانی هستند.

با در نظر گرفتن همهٔ این موارد، می‌توان گفت که نعمت‌های بهشتی نه تنها با هدف آفرینش انسان ناسازگار نیستند، بلکه کامل‌ترین و زیباترین تجلی همان حقیقتی هستند که انسان در مسیر پرفرازونشیب عبودیت به دنبال آن بوده است. این نعمت‌ها، از یک سو پاداشی شایسته برای اعمال نیک و بندگی خالصانهٔ بندگان به شمار می‌آیند، و از سوی دیگر ابزاری برای ادامه‌ی سیر تکاملی و صعود معنوی انسان در سرای آخرت محسوب می‌شوند.

توصیفات ظاهری و مادی این نعمت‌ها، هرچند متناسب با سطح فهم و درک محدود بشری بیان شده‌اند، اما حقیقت آن‌ها فراتر از هر گونه درک مادی و زمینی است. و در نهایت، همهٔ این نعمت‌ها به یک نقطه ختم می‌شوند: تقرب به خداوند و رسیدن به رضایت بی‌کران او.

بنابراین، می‌توان با قاطعیت ادعا کرد که نظام پاداش اخروی در قرآن کریم، هوشمندانه‌ترین، زیباترین و کامل‌ترین طرحی است که هم غایت والای عبودیت را تأمین می‌کند و هم با فطرت پاک و نیازهای گوناگون انسان - اعم از مادی و معنوی - هماهنگی کامل و شگفت‌انگیزی دارد. این همان حکمت بالغهٔ الهی است؛ حکمتی که هم به نیازهای مادی انسان نظر دارد و هم به کشش‌های روحانی و عرفانی او، و هر دو دسته از نیازها را در مسیری واحد و هماهنگ - یعنی مسیر قرب به خداوند - سوق داده و به کمال می‌رساند.



منابع

* قرآن كريم

١. ابن اثير، مبارك بن محمد. (١٣٦٧ق). النهاية في غريب الحديث والأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان.
٢. راغب اصفهاني، حسين بن محمد. (١٤١٢ق). المفردات في غريب القرآن. دمشق: دارالقلم.
٣. طباطبائي، سيد محمد حسين. (١٤١٧ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
٤. طبرسي، فضل بن حسن. (١٤١٥ق). مجمع البيان في تفسير القرآن. تحقيق وتعليق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
٥. طريحي، فخرالدين بن محمد. (١٤١٤ق). مجمع البحرين. قم: بنياد بعثت.
٦. فيروزآبادي، محمد بن يعقوب. (١٤١٥ق). القاموس المحيط. بيروت: دارالكتب العلمية.
٧. فيض كاشاني، ملا محسن. (١٤٠٦ق). الوافي. اصفهان: مكتبة الإمام أميرالمؤمنين علي عليه السلام العامة.
٨. قمي، علي بن ابراهيم. (١٤٠٤ق). تفسير القمي. قم: دارالكتاب.
٩. گروهی از نویسندگان: ابراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبد القادر، محمد النجار. (بی تا). المعجم الوسيط. بی جا: دار الدعوة.
١٠. مجلسی، محمدباقر. (١٤٠٣ق). بحار الأنوار. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
١١. معاديقواه، عبدالمجید. (١٣٧٨ش). فروغ بی پایان (تفسیر موضوعی قرآن). تهران: ذکر.
١٢. موسوی همدانی، سيد محمدباقر. (١٣٨٢ش). ترجمه الميزان. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
١٣. نوری، ميرزا حسين. (١٤٠٨ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بيروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

